

آسان شدن سختی‌ها با توکل بر خدا



اما همین انسان، دارای استعدادهای سرشاری است که چنین نظام خلقت را دگرگون کرده است و با وجود همین استعدادهاست که خلقت را تحت سلطه خویش درآورده است. با وجود این، انسان، همچنان ضعیف است، صبر ندارد و در سختی به جزع و فرغ می افتد و ناله و شیون می کند و به سختی‌ها اجازه می دهد تا کمرش را خم کنند. همین امر او را از رسیدن به کمال باز می دارد و او را زمین گیر می کند. حقا که زیباست سخن امام کاظم(ع) که فرمود:

«مصیبت برای انسان شکیبایی یکی است و برای ناشکیبای دو تا.»

برای مبارزه با این آفت، علما، توکل را پیشنهاد می کنند. با توکل و طلب یاری از مبدأ قدرت می توان بر ضعف، فائق آمد و مسیر را ادامه داد. آسان شدن سختی‌ها با توکل بر خدا، فرمولی است که امام علی(ع) نیز آن را تأیید می کند: **مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ تَسَهَّلَتْ لَهُ الصَّعَابُ**. اما همچنان مشکلات در کمین اند و با یاری شیطان، در صدد پرتاب تیری دیگر برای ممانعت از رشد انسان هستند تا او را از ادامه راه ناامید کنند.

من امید ندارم!

«ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید.»

با هر برنامه و با هر میزان آمادگی که راه یفتیم همچنان امکان شکست و عدم موفقیت وجود دارد. چنین نیست که بتوان با یک عزم و یک تجربه ناپخته قدم در مسیر گذاشت و یک نفس، تا انتها رفت، بلکه باید فرودها و شکست‌ها را در نظر داشت. آنچه در این گرده‌ها، انسان را از رسیدن به مرادش باز می دارد، ناامیدی است.

سنگلاخ‌های مسیر در این موارد خلاصه نمی شود، چه بسا دسترسی به استعدادهای نهفته هر کس، قالب مخصوصی داشته باشد. شناخت آن گنج‌های ناپیدا و ابزار کشف و پیروزی بر آفت‌ها و آسیب‌ها؛ هم در گروه همت است و هم مشورت. شاید گاهی زور مشورت بر دیگری بچربد و همت را نیرو دهد و آن را دوچندان کند. اصلاً بهتر از امام علی(ع) نمی توانیم بگوییم که فرمود: هیچ پشتیبانی چون مشاوره نیست.

استعدادهای طلایی یا نقره‌ای اند. از این رو کسی نباید بهانه ناتوانی و بی استعدادی را علم کند و تبلی پیشه کند و نعمت خدادادی استعداد را هدر دهد؛ چراکه ما هم مانند امام باقر(ع) از تبلی بیزاریم: «من نفرت دارم از مردی که در کار دنیایش تبیل باشد. هر که در کار دنیایش تبیل باشد در کار آخرتش تبیل تر است.»

من کمرم شکست!

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است * هنگامی که بدی به او رسد بی تابی می کند. انسان موجودی ضعیف است و در معرض خسران. این مطلب به روشنی از آیات قرآن کریم فهمیده می شود:

انسان به «آنچه می تواند باشد» نرسد. آفتی که از مقایسه کردن به زندگی انسان وارد می شود قابل توجه است چه در دوران کودکی که تضعیف استعدادها را در پی دارد و چه در بزرگسالی که رابطه‌ها را تیره می کند و موقعیت اجتماعی را به خطر می اندازد.

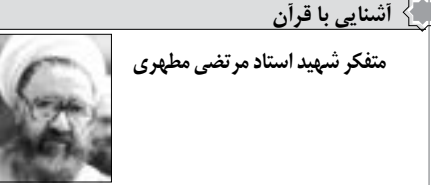
من حال ندارم!

امام صادق(ع) به یکی از فرزنداناش فرمود: از تبلی و بی حوصلگی بپرهیز که این دو خصلت تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارد. تبلی واضح ترین دلیل بر عدم استفاده از همه توانایی‌هاست. همان طور که پیش تر در سخن امام صادق(ع) اشاره شد، انسان‌ها با وجود تفاوت، همگی در معدن استعداد بوفون مشترک اند و همه دارای

همیشه انسان در این اندیشه است تا همه توانایی‌هایش را به نمایش بگذارد و از آن‌ها استفاده کند اما همچنان در راه رسیدن به این نقطه کمال بازمی ماند. با نگاهی مختصر به دور و برمان می بینیم که آدم‌ها همچنان از قسمت کوچکی از ظرفیتشان بهره می برند، چرا؟

من، عقب ترم!

یکی از مهم ترین بازدارنده‌های انسان از حداکثر استفاده از توانایی‌هایش، مقایسه کردن است. امام صادق(ع) مردم را مانند معدن طلا و نقره توصیف می کند؛ **الْإِنْسَانُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ**، به گونه‌ای که هرکسی را بهر کاری ساخته اند؛ اما آنچه در مقایسه اتفاق می افتد، ندیدن توانایی‌های خود است. همین ندیدن، مقدمه‌ای است که



متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره طارق

مکر و خدعه خدا

خدا می فرماید: من هم مکر خود را به کار می برم. در قرآن این تعبیر زیاد آمده است که مردمی با خدا خدعه می کنند، ولی خدا آنها را فریب می دهد. می فرماید: ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم. در بعضی تعبیرات دیگر این گونه آمده است: یخادعون الله و الذین امنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون. در مقام فریب دادن خدا برمی آید ولی نمی داند که خودشان را فریب می دهند. یعنی همین کار خودشان فریب خودشان است. این آیه (و امثال این آیه) آیات قبلی را تفسیر می کنند و معنای خیلی لطیفی به دست می آید که آن معنا این است:

اینها خدعه می کنند و فریب به کار می برند ولی خدعه خدا با آنها این است که همین خدعه خودشان علیه خودشان تمام می شود؛ یعنی همین خدا گول‌زنی‌ها خودگول‌زنی است.

توضیح مطلب

کسی که نقشه فریبکارانه‌ای می کشد و نمی داند که این نقشه در نهایت امر به ضرر خودش تمام می شود، گاهی شخصی است که استحقاق آگاه کردن دارد. ولی گاهی شخصی است که استحقاق آگاه کردن ندارد و او را رها می کند تا با همین نقشه‌اش زمین بخورد و نتیجه مکر و نیرنگش را ببیند. و این یعنی همان «یخادعون الله و هو خادعهم» و «یخادعون الله و الذین امنوا و ما یخدعون الا انفسهم». یعنی اینها که چنین نقشه‌ای می کشند خیال می کنند که دیگری را فریب داده‌اند، در صورتی که در واقع فقط خودشان را فریب داده‌اند چون ضرر بیشتر را خودشان بردهند.

انسان هیچگاه نمی‌تواند-العیاذبالله- خدا را گول بزند. انسان به این کوچکی نمی‌تواند با نظامات کلی عالم نیرنگ بازی کند. حافظ چه خوب می گوید:

صوفی نهاد دام و در حقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقه‌باز کرد

بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه

زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد
حداکثر کاری که انسان می‌تواند بکند این است که انسانی مثل خودش را فریب دهد و الا انسان نمی‌تواند قوانین این عالم را فریب دهد. مثل اینکه کسی بگوید «من طب را فریب می‌دهم». انسان طبیب را می‌تواند فریب بدهد ولی طب را نمی‌تواند فریب بدهد. طبیب را به این صورت می‌تواند فریب بدهد که سؤال‌اتش را با دروغ جواب بدهد تا طبیب بر اساس اظهارات او نسخه بپیچد.

ولی آیا طب را که یک قانون از قوانین عالم و خلقت است می‌توان فریب داد؟ آن وقتی که انسان خیال می‌کند طبیب را فریب داده، در واقع خودش را فریب داده، چون طب را نمی‌شود فریب داد. پس کسی که طبیب را فریب می‌دهد، در همان حال خودش را فریب داده؛ یعنی فریب دادن طبیب عین فریب دادن خودش است.

همانطور که طب قانون است و قانون را نمی‌شود فریب داد، دین خدا هم قانون است. اگر انسان به خیال اینکه خدا را فریب دهد علیه دین خدا قیام کند، در همان حال قیامش علیه دین و مصالح دین، در واقع خودش را فریب داده؛ چون خدا را که صاحب این قانون‌هاست نمی‌شود فریب داد. فقط زمان می‌خواهد [تا این مطلب معلوم شود]. کسی که فکر می‌کند طبیب را فریب داده و نسخه عوضی گرفته، آن وقتی که در بستر افتاده و نفس‌هایش به شماره افتاد می‌فهمد که در واقع خودش را فریب داده.

لذا قرآن می‌فرماید: آنها مکر می‌کنند مکر کردنی و ما هم مکر می‌کنیم مکر کردنی (ولی مکر ما همان عملکرد قانون ماست). فمهل الکافرین تو فقط به آنها مهلت بده، فقط زمان می‌خواهد که بینی مکرشان با خودشان چه می‌کند. امهلمم تاکید می‌کند: باز هم مهلت بده. رویدا فقط اندکی مهلت. اندکی مهلت می‌خواهد تا بفهمی این نیرنگ‌ها همه علیه خود اینها تمام می‌شود.

تفسیر سوره اعلی

بسم الله الرحمن الرحيم. سبح اسم ربك الاعلی. الذی خلق فسوی. و الذی قدر فهدی. و الذی اخرج المرعی. فجعله غناء احوی. سوره مبارکه سبح اسم ربك الاعلی این سوره توحید است یعنی این سوره با توحید شروع می‌شود و در این سوره بیشتر مسئله تذکر به مردم و تبلیغ اسلام و دعوت مردم مطرح است. این سوره با این جمله شروع می‌شود: سبح اسم ربك الاعلی تنزیه کن نام پروردگار برترت را. در این جمله چهار کلمه به کار برده شده است: تنزیه، اسم، رب، اعلی.

کلمه «اعلی»

کلمه «اعلی» مفهوم «برتر» را می‌دهد؛ نظیر کلمه «اکبر» یا «اعظم» است که در مورد خدا به کار می‌بریم. مثلاً می‌گوییم الله اکبر یا می‌گوییم الرب اعلی. «اکبر» اسم تفضیل از «کبیر» است؛ کبیر یعنی بزرگ، و اکبر یعنی بزرگتر. «اعلی» نیز اسم تفضیل از «عالی» است؛ عالی یعنی برین، و اعلی یعنی برترین. منتها در اینجا یک نکته هست که این نکته را در روایات اهل بیت به ما تذکر داده‌اند که وقتی ما به خدای متعال «اکبر» یا «اعلی» می‌گوییم این توهّم برای ما پیدا نشود که خدا را با اشیاء مقایسه می‌کنیم و در مقایسه با اشیاء او را بزرگتر یا برتر از اینها به حساب می‌آوریم.

طرح: عصر مردم

جدول شماره ۹۴/۷۵۳

افقی:

- شهری با معماری ویژه در ایران - خدمات‌رسانی
- پهلوان - فانی - از مجالس مشورتی
- سارقان - از سبزیجات خوردنی - نقاش انقلابی اسپانیایی
- چین و چروک صورت - شکایت - پیوند - گروه
- از توابع اردبیل - پرنده‌ای باوقا - صدای دردناک
- همکار سوزن - سدی در شمال ایران - عیالوار
- برادرزاده پیاز - ارتش خارجی - قطعی برای کتاب
- پوشش - هزار کیلو - معادل نفر - گنگ
- جمع لایحه - دغدغه‌ی بسیاری از جوانان - بستان
- قرائت کننده قرآن - خیابان معروفی در اهواز - کافی
- ضربه با سر به توپ - عدد مرغان قاف - مجرای خون - قلق
- از آن کتیرا می‌گیرند - سکان رایانه - عزا - پرده
- شبیوع - سزاوار - نوعی اتحاد در جبر
- راندن - سخن چین - وی
- مشاهیر - دانشمندان

عمودی:

- کره اسپ ماده - مستکبران
- طلا - معترف - خودرو کره‌ای
- از توابع مرودشت - ساز و برگ - پیشیمان

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۲۷

			2						
3	4	6		9	8	1	2		
		2				7			
1	6		2		4	9			
	8		4		7		5		
		5	7		3		1	2	
			4					3	
		7	1	8	3		5	4	6
6			5						

جدول شماره ۹۴/۲۲۶

2	5	6	8	7	4	1	9	3
1	7	4	2	9	3	6	8	5
8	9	3	6	5	1	4	2	7
7	4	5	9	6	2	8	3	1
6	1	8	5	3	7	9	4	2
9	3	2	1	4	8	7	5	6
3	6	9	7	8	5	2	1	4
4	2	7	3	1	9	5	6	8
5	8	1	4	2	6	3	7	9

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.